



از گلاب کاشان تا گلهای کشان

دکتر محمود روح‌الامینی*

«کشان»، «کاشان»¹ Cachan « یکی از شهرهای نزدیک پاریس است. من تازه وارد نیز، در سال ۱۳۳۹ مانند هر دانشجوی ایرانی دیگر، وقتی که نام کاشان را (که در این جستار، برای آسانی تمایز نام دو شهر، کشان نوشته می شود) در میان نامهای ناآشنای شهرها و شهرکهای پاریس چون کرتی (Creteil)، نانتر (Nanterre)، بولنی (Boulone)، آنتونی (Antony) و... شنیدم، خوشحالی ام دو برابر شد؛ یکی برای آنکه زحمت یادگرفتن یک واژه و نام جدید را به

* جامعه شناس - استاد دانشگاه تهران

از گلاب
کاشان تا
گلهای کشان



۱۴۳

خود نمی‌دهم، زحمتی که معمولاً دانشجویان تازه وارد خارجی با آن دست به‌گریبانند که افزون بر زبان باید نام مقداری کوچه و محله و شهر ناآشنا را نیز فراگیرند، و دیگر آنکه نام آشنای شهری آشنا از کشورم بود که من کرمانی را نیز در ولایت غربت آرامش می‌بخشید. شهرآشنایی که تاریخ کهنسالش، بناهایش، رویدادهایش، گلابش، قالی‌اش و نیز آوازه عقربهایش، معروف است.

هر وقت که برای رفتن به کوی دانشگاه آنتونی، قطار به ایستگاه کشان می‌رسید، دانشجویان ایرانی برای دیدن مناظر شهری که نامش آشناست، سرک می‌کشیدند. اگر شمار ایرانیانی که در کشان زندگی می‌کنند، بیش از ایرانیان ساکن شهرها و شهرکهای دیگر و حومه پاریس است، بی‌گمان نام آشنای این شهر نیز می‌تواند عامل این کشش باشد.

در دی ماه ۱۳۷۶ پس از ۳۷ سال دوباره گذارم به کشان افتاد، مدتی در خانه یکی از دوستان ایرانی - که او نیز شاید به همان دلیل آشنایی نام کاشان در این شهر، خانه گرفته است - منزل داشتم؛ مهمان و «مزاحم» بودم. آخر، سالهاست که به علت گرانی معیشت و ارزانی ریال در برابر پولهای خارجی، ایرانیانی که به «فرنگ» می‌روند مزاحم دوستان و آشنایان می‌شوند.^۲ و آنان به خوبی این مطلب را می‌دانند و چند پتو و ملافه اضافه، برای مهمانان خوانده و ناخوانده دارند.^۳ رسمی که اگر در فرنگ معمول نیست، ایرانیان با آن بیگانه نیستند.^۴ و یکی از تعارفهای آنان به آشنایان تازه وارد، این است: «اگر جایی نداری، به خانه ما بیا، منزل خودتان است» و منظورشان آن است که با این گرانیها، به هتل نرود.

باری توقف در کشان فرصتی بود که بهتر و بیشتر با این شهر، آشنا شوم و آن را با کاشان کشور خودمان «مقایسه» کنم، هر چند این نیز دانم که به قول حضرت مولانا:

توقیاس از خویش می‌گیری، ولیک دور دور افتاده‌ای، بنگر تونیک
۱- هنگامی که در دو کشور و دو منطقه جغرافیایی متفاوت، به نام همسان

دو شهر و محل می‌رسیم، هرچند که مربوط به دو زبان و دو قاره کاملاً متفاوت باشد، نخست در جستجوی «وجه تسمیه»^۵ و «قدمت» آنها برمی‌آیم که بینیم آیا یکی از آنها نامش را از دیگری نگرفته است؟

در وجه تسمیه کشان (Cachan) می‌خوانیم که: «در مورد شناخت ریشه واژه جای بحث است و این که در بعضی از تفسیرها آن را از واژه «Caticantus» دانسته اند مورد اعتماد نیست و دانشمندان متخصص ریشه یاب ترجیح می‌دهند اظهار نظر نکنند تا این که فرض دقیق تری بیابند». (سالنامه شهرداری کشان)

درباره وجه تسمیه کاشان (Kashan) یا قاشان؛ یا قاسان؛ برخی آن را گرفته شده از نام قوم کاشو یا کاسو می‌دانند که در بین النهرین می‌زیستند، و بعضی آن را مرکز ساختن بهترین کاشی و برخی برگرفته از واژه «کی آشیان» و یا «جایگاه جشن و دل‌آسایی» دانسته‌اند.

قدمت و سیر تاریخی کشان: در این منطقه آثار باستانی دوره نوسنگی (Neolithique) کشف شده و مورخان و باستان‌شناسان آن را متعلق به نخستین گروه انسانی و کشانیها می‌دانند که در کنار «چشمه پوشیده»^۷ ساخته‌اند. و این چشمه تولد شهر فعلی را توجیه می‌کند، و در دوره رومنها، گهواره تجمع فعلی بایستی در همسایگی «پل مجرای آب» (Pont-aqueduc) که متعلق به آن دوره است بنا شده باشد؛ و این پل از آثار کهن منطقه پاریس (Luece) است... و بالاخره سندهای تاریخی متعلق به قرون وسطی، از اهمیت و اعتبار کشان گواهی می‌دهد و آثار کاخهای پادشاهان فرانسه متعلق به قرنهای نهم تا چهاردهم، هنوز منطقه را سرسبز می‌دارد. در قرن شانزدهم، زمان تأسیس انجمن ادبی رنسار^۸، کشان محل گردش دانشجویان و شاعران بود. آمدن شارل ششم (در ۱۳۸۱) و لوئی سیزدهم (در ۱۳۱۶) برای ساختن و بازسازی بنای «پل مجرای آب» از سندهای تاریخی سنگ بنای کشان است؛ و از جمله بناها قصر پادشاهان بود که قرن‌ها محل گردش خانواده‌های سلطنتی

فرانسه بود که در هنگام انقلاب، مصادره و در ۱۷۹۱ به فروش رفت و در ساختمان‌های سازبها، تخریب گردید.

بناهای متعددی از قرن نوزدهم در این شهر برجای مانده، هرچند در جنگ بین فرانسه و آلمان، در سال ۱۸۷۰، این منطقه در زیر آتشبارهای لشکریان دو طرف (فرانسه و آلمان) بود و دولت فرانسه از ساکنان کشان خواست که داخل شهر پاریس بیایند، و ذخیره‌هایی که نمی‌توانستند با خود ببرند، آتش بزنند؛ و در این جنگ کشان - که به دست آلمانها افتاد و دوباره آزاد شد - آسیب فراوان دید.

در قرن بیستم بسیاری از زمینهای کشاورزی، باغستانهای انگور، قصر وسیع آبه (Abbe) و خانه‌های سنتی معرف منطقه و چاه‌های آب خانه از بین رفت و جای خود را به شهر جدید فعلی داد.

◀ قدمت تمدن و سیر تاریخی کاشان:

کاشان شهر کهن آباد و کهن سال حاشیه کویر که به قم، اصفهان، اردستان، محلات و کویر محدود است. سندهای پنهان شده‌ای که به صورت ابزارهای سفالین و مسین و مفرغین در کاوشهای باستانی سیلک (تپه‌های سیلک، دو کیلومتری جنوب غربی شهر) به دست آمد، هویت ۷ هزارساله تاریخ مدنیت منطقه را آشکار ساخت و آثار آتشکده‌های منطقه (نیاسر و خرم دشت) آبادانی کاشان را در دوره‌های هخامنشی و ساسانی گواهند. در سده‌های نخستین بعد از اسلام مقدسی و یاقوت از آن سخن گفته‌اند. هر چند ویرانگریهای هجوم دو دهه قرن اول هجری، و حمله مغول در قرن هفتم و زلزله‌های قرن دهم و یازدهم هجری فراموش نشده، ولی پشتکار، بازسازی و توجه دوره صفویه به بعد، بناها و آثار تاریخی و هنری ارزشمندی چون کاروانسرا، قیصریه، بازار، کاخ، مسجد، امامزاده، تکیه و... را بر جای گذاشته است. کاشان با ۲ هزار و ۱۰۰ هکتار وسعت، زمانی جزء ایالت جبال (یا عراق عجم) بود و چندی نیز پیوسته به استان مرکزی، و





امروز با جمعیتی در حدود ۴۰۰ هزار نفر، از توابع استان اصفهان می باشد. شهرستان کاشان دارای سه بخش (قمصر، نیاسر، بخش مرکزی) و دارای ۸۴ روستاست.^{۱۱}

◀ همسانها

درست است که هر شهری را در جهان بخواهید با شهر دیگر «مقایسه» کنید، بی گمان، نمونه‌ها، نمودها و عنصرهای مشابهی بین آنها یافت می شود،^{۱۲} اما انگیزه یافتن همسانها و شباهتها به ویژه زمانی بیشتر می شود که دو شهر، در دو قاره متفاوت نام همسان داشته باشند.

وجود دو شهرک با پسوند گل سرخ (لاهی گُرز Lhay Les Roses و فونتنی گُرز (Fontenay- aux- Roses) در کنار و جوار کاشان نمی تواند برای من ایرانی یادآور کشور «گل و بلبل» و به ویژه گل و گلاب قمصر کاشان^{۱۳} که شهرت و بوی عطرش جهانگیر است، نباشد و هنگامی که می شنود معروف ترین گل سرخ (La Rose) فرانسه متعلق به باغ های این منطقه است، بیشتر علاقمند می شود، که برخلاف مضمون شعر معروف: «چون که گل رفت و گلستان شد خراب بوی گل را از که جوییم از گلاب» در این ولایت غربت اگر به گلاب کاشان دسترسی ندارد، به بوی خوش گلهای کاشان دل خوش کند و اگر به قول سعدی، بوی گلش چنان مست نکند که دامنش از دست برود؛ بی گمان، دامنی پر کند هدیه اصحاب را. آیا به راستی، این یک تصادف است که دو شهر «همنام»، فرآورده «همعطر» معرفی را عرضه دارند؟ به قول حافظ با «حکم ازلی» چه توان کرد:

در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود کان شاهد بازاری وین پرده نشین باشد
خیابان سعدی: یکی از خیابانهای مرکزی کاشان، خیابان کارنو (Carnot) است که بایستی سعدی کارنو (Sadi Carnot) باشد. در بیشتر شهرهای فرانسه، خیابانی به نام کارنو، یا سعدی کارنو نامگذاری شده است. او رئیس جمهور فرانسه بود که در سال ۱۸۹۴ میلادی در سن ۵۷ سالگی به قتل رسید و در

پانتئون (Pantheon) آرامگاه شخصیت‌های برجسته (مدفون است).^{۱۴} نام آشنای خیابان سعدی کارنو، مشابهت دیگری بین کاشان و کشان است که کمتر شهری در ایران یافت می‌شود که خیابانهایی با نام فردوسی، سعدی و حافظ نداشته باشد.

آبراه‌ها: تأمین کردن آب، و ساختن و تعبیه مجرا و مسیر مطمئن از گامهای نخستین در هر شهر و آبادی است. در بسیاری از شهرهای ایران به صورت قنات در زیرزمین و در برخی منطقه‌ها در روی زمین و یا بالاتر از سطح زمین (برای محفوظ ماندن از حادثه و احتراز از مزاحمت و آسیب رسانی) مجرای آب را با سنگ و سیمان طوری می‌ساختند که به آسانی آسیب پذیر نباشد. در شهر کشان «پل مجرای آب» و در کاشان قناتهای کهن و «شترگلو»ها، سالها بلکه قرن‌ها نگهداری و نگهداری شده است و اگر هم امروز در اثر تحول و پیشرفتهای فنی و فن آوری، از آنها استفاده می‌شود به عنوان بنای تاریخی که یادگار اندیشه، کوشش و هنرپیشینیان است، نگهداری می‌شود.

◀ ناهمسانیا

بیان ناهمسانیا که می‌تواند شامل همه تاریخ و جغرافیا به مفهوم وسیع کلمه و همه ویژگیهای دو شهر باشد، موضوع سخن نیست، بلکه اشاره گذرا به برخی ویژگیهاست. حتی در باره کاشان خودمان که موضوع اصلی این جستار است اگر بخواهیم یادداشتهای سفرنامه نویسان فرانسوی را نقل نماییم، «مثنوی هفتاد من کاغذ» می‌شود.^{۱۵}

بناهای دیدنی کاشان: بسیاری از بناهای کاشان، که از گزند حادثه و باد و باران آسیب ندیده، خود، موزه ای گویا از آثار معماری، هنری، مذهبی و فرهنگی دست کم، دوره صفویه به بعد است. منار زین الدین، دیوارکهن برج و باروی شهر، باغ فین، حمام، تیمچه امین الدوله، بازار، خانه بروجرویدها^{۱۶} که امید است از قهر بولدوزرهای تعریض خیابانها و آپارتمان سازیها در امان ماند، معرف هویت شهر و آبادیهای حاشیه کویر است.

در کشان، با توجه به شیوه معماری اروپائی، نمی توان از دیدن پل مجرای آب (Pont - Aqueduc) بنای کهن خانه پست، مجموعه ای که به خانه سالمندان تبدیل شده و چشمه و پارک شهر چشم پوشی کرد.

هنگامی که از صنایع دستی کاشان سخن می رود پیش از همه باید «قالی کاشان» را نام برد که زری دوزیها و مخمل بافیها را نیز بایستی به شمار آورد. اهالی کشان در نمایشگاه و بازار فرش که سال ۱۳۷۶ در آن شهر از قالی ایران (Tapis Persinos) تشکیل شده بود، قالیهای کاشان را در کنار قالی کرمان و تبریز و قالیهای عشایری و... دیده اند.

صنایع و ابزار مسین که حتی مادام دولافوا، داستان «ضربه های مسگران کاشان، روزگاری آرامش بوعلی سینا را به هم می زد» شنیده و نقل کرده است، هنوز اعتبار هنری خود را از دست نداده است.

شهرت عقربهای کاشان را که بیشتر بایستی آن را جزء «فولکلور» به شمار آورد، نیز نمی توان نشنید، هرچند که با داروها و سمپاشیهای بجا و بیجا، بسیاری از حشره ها و پرنده ها و جانوران، نابود شدند.^{۱۷} شاردن که در دوره صفویه به ایران آمده، درباره عقربهای کاشان می نویسد:

«... نگرانی ساکنان کاشان از عقرب جراره هست و گویند دشمن جان مسافران و غریبان می باشند... خدا را سپاسگذارم که در هیچ یک از سفرهایم بدین شهر در این باره خبر بدی نشنیدم. مردمان عامی بر این باورند که مسافرانی که به کاشان وارد می شوند، اگر پس از استقرار به محل اقامت از سر صدق و صفا بگویند: ای عقربها من مسافر و غریبم از شهر شما نیستم مرا نگزید، از گزند نیش آنان در امان خواهند بود. مردم کاشان همیشه مقداری پادزهر در خانه دارند». (سفرنامه شاردن، ص ۵۳۷)

◀ نزدیک به نیم قرن

از ویژگیهای کم مانند کشان فرانسه که نزدیک به نیم قرن است که یک شهردار دارد. آقای ژاک کارا در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۱) به عنوان شهردار کشان

انتخاب شد، و تاکنون شهردار است. پست شهردار، در فرانسه انتخابی است و انتخاب مجدد وی برای هرچند بار مقدور است. آقای کارا چهار سال پیش از آنکه ژنرال دوگل به ریاست جمهوری فرانسه انتخاب شود، شهردارکشان بود. دوره شهر داری در فرانسه شش سال است و او هشت دوره است که انتخاب می شود.

به دشورای می توان این امر را باور کرد. البته اگر ناصرالدین شاه نیم قرن سلطنت کرد، یا رئیس جمهور برخی از کشورها سالها بر مسند قدرت می ماند، رای مردم آنان را انتخاب نکرده. کنجکاوی، مرا برانگیخت که در این باره پرسشهای بیشتری بنمایم. در انتخابات سیاسی فرانسه معمولاً قدرت و تبلیغات احزاب و برنامه کاندیداها، نقش اساسی دارد. درخور توجه است که آقای کارا عضو حزبی است که اکثریت ندارد. یکی از اهالی کشان - کتابفروش محله - می گفت اگر ایشان کاندیدای نمایندگی مجلس بود، حزب ایشان در این شهر رای نمی آورد. ولی برای شهردار شدن، فعالیت و دلسوزی او را به امور شهر، ملاک قرار می دهند و نه وابستگی حزبی و سیاسی او را. پیداست که مفهوم فارسی نام خانوادگی شهردار بامسما است و کارآئی آقای کارا برایش کارساز شده و شنیدم شهر دیگری در فرانسه هست که سابقه شهرداریش بیش از آقای کارا می باشد و چندین دوره شهردار شدن، در فرانسه کم نیست.

سخن را با جمله و نظری از مصاحبه آقای کارا، در پاسخ به پرسشی که چرا در ایجاد کارخانه و صنعتی شدن بیشتر شتاب نمی کنید؟ به پایان می بریم، نظری که بی گمان در مورد فعالیتهای شتاب زده ای که در بسیاری از کشورهای جهان سوم، به نام «توسعه» انجام می گیرد، نیز صادق است:

«کشان یک شهر صنعتی نیست، این هوس و بلند پروازی را نیز در خود نمی بیند که با شتاب خود را به صنعتی شدن بکشانند، ولی این را نیز باید گفت که به هیچ وجه آرزو نمی کند که به مرکز فعالیتهای درجه سوم تبدیل شود. البته بایستی کارخانه های صنعتی به تناسب ظرفیت



شهر توسعه پیدا کند؛ بدون این که توازن شهری را برهم زند، بلکه به اندازه معقولی که فعالیت‌های رو به پیشرفت شهر را نشان دهد».



◀ پی‌نوشت‌ها:

- ۱- تلفظ «ا» و «آ» در برخی از واژگان زبان فرانسه معنا را تغییر نمی‌دهد و بستگی به لهجه شهر یا قشر اجتماعی دارد مثلاً «کفه» و «کافه» به معنی قهوه است و کشان یا کاشان در تلفظ و معنی فرقی ندارد.
- ۲- گران‌ترین قلم هزینه‌ها را کرایه منزل تشکیل می‌دهد. کرایه اتاق در ارزان‌ترین هتلها سیصد فرانک است یعنی معادل ۳۰ هزار تومان سال گذشته.
- ۳- در فرهنگ سنتی ایران، رختخواب را هرگونه‌ای می‌توان پهن کرد، بودن تختخواب الزامی نیست.
- ۴- در بسیاری از خانه‌ها به ویژه در خانواده‌های شهرستانی و در روستاها همواره چند رختخواب اضافی موجود است.
- ۵- در پژوهش‌های اجتماعی توصیه می‌شود که به «وجه تسمیه‌ها» اعتماد نکنید، چون بسیاری از آنها مستند نیست و محققان و دانشوران، به قیاس و گمان و قرینه ساخته‌اند و هر چند هم مقبول باشد اعتبار علمی ندارد.
- ۶- کاشان را انگلیسی‌زبانان، Kashan فرانسه‌زبانان مثلاً شاردن Kachan نوشته‌اند.
- ۷- اسم خاص و نام چشمه اصلی در منطقه است.
- ۸- پیر هورنسار، Pierre de Ronsard شاعر معروف قرن شانزدهم فرانسه و بنیان‌گذار انجمن شاعران و ادیبان معروف به پلیاد (pleiade = خوشه پروین) که کشان را برای گردش و جلسه‌های ادبی انتخاب کرده بود.
- ۹- در دوره صفویه کاشان به عنوان شهری با سابقه تاریخی تشیع مورد توجه خاص قرار گرفت. قیصریه و کاروانسرای شاه عباسی شهرت جهانی داشت. (به سفرنامه شاردن نگاه کنید).
- ۱۰- کاشان ۱۴۶ امام زاده و مسجد و تکیه و حسینیه دارد.
- ۱۱- برای مطالعه بیشتر درباره تاریخ و تمدن و فرهنگ کاشان به کتابهای: تاریخ کاشان از سهیل ضرابی، آثار تاریخی کاشان از حسن نراقی، معجم البلدان از یاقوت حموی، نزهة القلوب از حمدالله مستوفی، احسن التقاسیم از مقدسی، راحة الصدور از راوندی و جغرافیای مفصل ایران از مسعود کیهان، مراجعه شود.
- ۱۲- پژوهش‌های «مقایسه‌ای» و «تطبیقی» در مسائل فرهنگی و اجتماعی در گذشته معمول بود، ولی با توجه به این که پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی هر جامعه، خاص همان جامعه است، این گونه پژوهش‌های موازی اعتبار علمی خود را از دست داده است.
- ۱۳- درست است که بوی گل سرخ همه شهرهای ایران به ویژه شهرهای حاشیه کویر مشهور است و نام کشور «گل و بلبل» بی‌معنا نیست ولی فراوانی گل‌های منطقه کاشان به ویژه گلاب قمصر کاشان شهرت جهانی دارد، لازم به یادآوری است که در فرانسه «گل سرخ اصفهانی» مشهور است زیرا مون‌تسکیو در کتاب نامه‌های ایران از «گل سرخ اصفهان» (Rosed Isfahan) Le تعريف کرده؛ البته گل سرخ اصفهان هم تعریف دارد ولی در ایران گل‌های سرخ اصفهان بیش از گل‌های شهرهای دیگر مشهور نیست. می‌دانیم مون‌تسکیو هرگز به ایران نیامده بود و گر نه هزاران فراورده هنری و طبیعی مشهورتر اصفهان را نام

می برد. جالب است که در پاریس یک آذربایجانی که چلو کباب تبریزیش مشهور بود، نام رستورانش را «گل سرخ اصفهان» نهاد بود.

۱۴- در تاریخ فرانسه سه نفر با نام خانوادگی Carnot مشهورند که دو نفر نامشان « سعدی » است. نخست لازار کارنو، سیاستمدار و ریاضیدان که به واسطه آشنایی و علاقه به آثار سعدی نام پسر خود را سعدی نهاد که از فیزیک دانان فرانسه و مخترع ترمودینامیک است (۱۷۹۶ - ۱۸۳۲) با مرگ او در ۳۸ سالگی برادرش هیپولیت «Hippolyte» نام فرزند خود را سعدی نهاد. سعدی کارنودوم از سیاستمداران فرانسه که در ۱۸۸۷ به ریاست جمهوری فرانسه رسید و به دست کلریو آنارشویست ایتالیایی کشته شد. (۱۸۳۷ - ۱۸۹۴)

۱۵- بسیاری از سفرنامه نویسان فرانسوی واژه کاشان را به الفبای لاتین به همان صورتی که کاشان را می نویسند Cachan در سفرنامه آورده اند مانند مادام دولافوا.

۱۶- شاردن در سفرنامه خود Kachan آورده و اروپائیان دیگر Kashan می نویسند و فرهنگ معین Kashan نوشته است.
۱۷- یکی از دوستان کاشانی در این مورد هنگام شوخیها به عنوان دفاع می گوید: خاطراتان جمع باشد نه عقربهای کاشان عقربهای قدیم اند و نه قالیهای کاشان.

◀ فهرست منابع:

- ۱- سالنامه شهرداری کاشان؛ ۱۹۹۷.
- ۲- سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ج ۲، انتشارات توس.